

آن موضع فرار نموده پناه مابین موضع آوردند حضرت چون آن موضع نزدیک رسیدند یکی از آن موضع آمده ملاقات  
 نمود آمدن آن تکرار آن کار نمود حضرت شاسنای بقیضای بزرگی خود با کپش پستما دند که این گروه تبه را می را  
 بر راه راست زهنونی نماید چون بنا بر این پستان جام خود پرسی شده بود و در مکانات اعمال حذیرین ساله در سینه  
 موضع خود را محکم ساخته بختک و عهده ایستادند مقررست که از پیاده و سوار همراه موکب عالی در شکار با پیشتر از هر کس  
 نمی باشد امشب که حکم رتعا بق کر نچیتا شرف صدور یافته بود بهادان جانسپار مرفی رفته منفرق شده بودند و  
 دویست کس در کباب دولت سعادت حضور داشتند و تا دویست فیل هم متعاقب رسیدند و جمعیت تمدن از  
 چهار هزار کس مشهور بود حضرت شاسنای شاه فرموده اند که بسیار از آن دولت و اوجانسانی و جانکسا داده کایسا  
 صورت و معنی گردند معرکه زد و خورد و گرم شد لیکن چون مخالفان بسیار بودند و مخلصان حقیقی در کباب نرت کمتر  
 سعادت حضور داشتند کار پیش نرفت تا که بظرافت پس در آمد که ارشدت هوا و آسکی در اطراف موضع افتاد بود  
 جمعی از سپاهیان کباب بقال پناه بدرخان و بطلکجا گوشه عافیت بودند و تهم پادشاهی خویش آمده جای کباب آن  
 گروه را شدت بایستی فرمود بقیضای عطفوت ذاتی اغاض نظر فرموده خود در آن وقت که بدولت و اقبال فیل کباب  
 نام سوار دولت بودند متوجه شدند چون پیش موضع آتش بسیار بود و در آمدن فیل دشوار عقب آن موضع فیل کوه کوه را  
 از زبان مقدس شاسنای ساهمه فرور کشتیم که نقل این هر که شدت میفرمودند که فیل در سخای در رانده شد بظرافت که چه  
 نزدی بلای آمده چون شتم خان اوم همانطور چه داشت بخاطر اقدس جناب کشت که مگر او باشد فیل را تیر ترازم  
 و خود را نزدیک آن نام رسانیدم درین اثنا از اطراف تیر و جو بپسک می مارید و حمایت ایزدی که خوش معاک  
 شاسنایست و سوار کبابها میفرمایند شازمه محافظت میفرمود چون دیک رسیدند مظهر شد که آن حته  
 پوس مشن خان و کبابا از قه پکی از کوه کنگشان کشتی میگرفت و بخواست که او را از با هم بر زمین اندازد و جمعی از فیل اعتدال  
 به داد و دیده بودند که کار مقبل خان تمام سازند درین اثنا حضرت شاسنای سرعت در راندن فیل فرمودند و هر دم هم  
 آواز دادند که بالا نشوید بنده علی قورچی منعم خان بدر کلان سلطان علی خالدار بالاد دیده بر بام بر آمد و آن پسر و  
 فرار نمودند و سبیل کبابی کار غنیمت تمام کرد و درین وقت دست فیل با پشایی در خانه غله فروخت چنانچه چهار خان فوج  
 که عقب حضرت بر فیل سوار بود آمده بر بالای حضرت و حضرت بزور بازوی بلایی فیل از منگاک بر آورده  
 داشتند که خود را با جلی که تمدن ان مضبوط شده بودند رسانند درین مان حکم از نماز مان در کباب نصرت نمود

غیر از راجه بهکونت و این راجه بچند در سگام اینستای شکیلی که بهکونت واس آب خود ابلارنت آور قضا  
 در همان کج که حضرت شاسنا متوجع فوج بودند و وی همی کشید و دید و شیر انداخت سمشتر حلقه اسن که  
 و زمان فیل را بچنگل پست سگام می نشانند رسید و اضطرکاک که سمشیر را اسن سراره جبت و فل از روی حکمی سمشیر انداخت  
 در تم کشد و پایال با چنت



۲۶۹

سیانور

۸۴

۲۰۷